

madsage
IRan Education
Research
NETwork
(IRERNET)

شبکه آموزشی - پژوهشی مادیج
با هدف بهبود پیشرفت علمی
و دسترسی راحت به اطلاعات
برای جامعه بزرگ علمی ایران
ایجاد شده است

مادیج

شبکه آموزشی - پژوهشی ایران

madsg.com
مادیج



Edited with the demo version of
Infix Pro PDF Editor

To remove this notice, visit:
www.iceni.com/unlock.htm

روش شناسی :

مربوط می شود به امور فلسفی و سیاسی که محقق به آنها پایبند است و بر اساس آنها به انتخاب موضوع و تحقیق پیرامون آن می پردازد .

روش تحقیق :

بحثی آماری است و به وسایل و ابزارهایی اشاره می کند که محقق با استفاده از آنها اطلاعات مورد نیازش را گردآوری می کند . روش تحقیق مبتنی بر متدلوژی (روش شناسی) است. به عنوان مثال در مکتب کارکردگرایی از روشهای کتابخانه ای، آزمایش و پیمایش استفاده می شود. اما در مکتب تفهم (مکتب وبر) از روشهای آماری خیلی کم استفاده می شود و اساساً از روش تفسیر و کتابخانههای استفاده می شود .

متغیر:

یک ویژگی است که مقدار آن یا میزان آن در میان افراد ، اشیاء یا موضوعات مورد مطالعه دچار نوسان و تغییر می شود مثلاً جنسیت (مذکر، مونث) طبقه، شغل ..

متغیر بر دو نوع است 1. وابسته 2. مستقل.

1. متغیر وابسته: متغیری است که تحت تأثیر متغیر مستقل دچار تغییر می شود .

2. متغیر مستقل: متغیری است که بر روی متغیرهای دیگر تأثیر می گذارد. به عنوان مثال هر چه میزان سواد افزایش پیدا کند میزان درآمد هم افزایش پیدا می کند.

هر چه میزان سرمایه اجتماعی زیاد شود میزان انحرافات کم می شود.

متغیر کنترل: به متغیری گفته می شود که محقق میزان یا مقدار آن را در مورد همه آزمودنی ها ثابت می کند . در واقع همه آزمودنی ها از لحاظ آن متغیر یک دست و یک نواخت می شود .

مثلاً: اگر همه آزمودنی ها زن باشند در این مورد متغیر جنسیت کنترل شده است یا اگر همه آزمودنی ها یک شغل داشته باشند .

روش تحقیق	قوتها	محدودیتها
کار میدانی	<p>1. معمولاً اطلاعات ارزشمتر و عمقی تری نسبت به روشهای دیگر فراهم می کند.</p> <p>2. برای پژوهشگر امکان تغییر استراتژی ها و پیگیری سرنخهای جدیدی را که پدیدار می شوند فراهم می سازد.</p>	<p>1. فقط می تواند برای مطالعه گروهها و اجتماعات نسبتاً کوچک به کار برده شود.</p> <p>2. نتایج ممکن است فقط بر گروهها یا اجتماعات مطالعه شده قابل تطبیق باشد، تعمیم بر پایه تنها یک بررسی میدانی آسان نیست.</p>
پیمایش	<p>1. گردآوری مؤثر داده ها در مورد تعداد انبوهی از افراد را ممکن می سازد .</p> <p>2. اجازه می دهد بین جوابهای پاسخگویان مقایسه های دقیق انجام شود.</p>	<p>1. مطالب گردآوری شده ممکن است سطحی باشند، در مواردی که پرسشنامه زیاد استاندارد می شود اختلافات مهم بین دیدگاههای پاسخگویان ممکن است نادیده گرفته شود.</p> <p>2. پاسخها ممکن است باورهای اعلام شده افراد باشد نه باورهای واقعی آنان.</p>
پژوهش اسنادی	<p>1. بسته به نوع اسناد مورد مطالعه می تواند منابع اطلاعات عمقی و نیز اطلاعات در مورد تعداد انبوهی از افراد فراهم کند.</p> <p>2. اغلب هنگامی که مطالعه ای یا کلاً تاریخی است، و یا بعد تاریخی معینی دارد ضروری است.</p>	<p>1. پژوهشگر وابسته به منابع موجود است که ممکن است جامع نباشند.</p> <p>2. تفسیر منابع از لحاظ اینکه تا چه اندازه نماینده گرایشهای واقعی هستند ممکن است دشوار باشد - مانند آنچه که در مورد بعضی انواع آمارهای رسمی دیده می شود.</p>
آزمایش	<p>1. تأثیر متغیرهای ویژه می تواند به وسیله پژوهشگر کنترل شود.</p> <p>2. تکرار آزمایشها برای محققان بعدی معمولاً آسان تر است.</p>	<p>1. بسیاری از جنبه های زندگی اجتماعی را نمی توان به آزمایشگاه آورد.</p> <p>2. پاسخهای افراد مورد مطالعه ممکن است تحت تأثیر وضعیت آزمایشی آنها قرار گیرد.</p>

روشهای تحقیق

روش های اصلی :

آزمایشی - پیمایشی - اسنادی (کتابخانه ای) - میدانی

1. آزمایشی: در این روش محقق میدان مطالعه را دستکاری می کند به این معنی که میزان یا مقدار متغیر های مستقل را کم و زیاد می کند و اثر این امر را بر متغیر وابسته اندازه گیری می کند . به عنوان مثال : یک معلم روش تدریس «متغیر مستقل» را عوض می کند و سپس اثر آن را بر راندمان کارش اندازه گیری می کند .

فرض می کنیم یک بار از وسایل آموزش مثل اسلاید استفاده می کند و بار دیگر دانش آموزان را در تدریس و اداره کلاس مشارکت می دهد . یا به عنوان مثال به جای طرح موضوعات خاص و توضیح آنها بر اساس سرفصل ، تدریس را مسئله محور می کند. مشکل این روش تصنعی بودن آن است. این روش بیشتر در علمی از قبیل پزشکی، روان شناسی و روانشناسی اجتماعی استفاده می شود و عمدتاً در مورد حیوانات مورد استفاده قرار می گیرد زیرا کاربرد آن در مورد افراد انسانی با محدودیتها و ممنوعیت های اخلاقی مواجه می شود . مثلاً داروی جدید را ابتدا روی حیوانات آزمایش می کنند و در صورت نداشتن مشکل برای انسان استفاده می شود .

2. روش پیمایش: وسیله اصلی گردآوری اطلاعات در این روش پرسش و سؤال است که این سؤالات در قالب پرسشنامه یا مصاحبه طرح می شوند . روش اصلی مورد استفاده در جامعه شناسی روش پیمایش (سوروی) است.

3. روش اسنادی (کتابخانه ای): گردآوری اطلاعات با استفاده از اسناد و مدارک چاپ شده است . این روش در کنار همه روشها مورد استفاده قرار می گیرد .

4. روش میدانی : به معنای حضور محقق در میدان تحقیق و مشارکت در فعالیتهای افراد مورد مطالعه ، به عنوان مثال ابوریحان بیرونی به منظور بررسی جامعه هند به آنجا رفت ، با زبان آنها آشنا شد و آن را فراگرفت ، با فرهنگ آنها آشنا شد، در میان آنها زندگی کرد و پس از آن به مطالعه پیرامون ابعاد گوناگون جامعه هند پرداخت . این روش و خصوصاً روش مشاهده مشارکتی در مردم شناسی کاربرد دارد .

روشهای فرعی :

1. روش سرگذشت پژوهی: مثلاً خودکشی: در این مورد سرگذشت فرد را از ابتدا تا هنگامی که خودکشی کرده مورد بررسی قرار می گیرد و به عوامل موثر در خودکشی وی پی برده می شود و بیشتر در روانشناسی کاربرد دارد.

2. یاداشتهای روزانه :

3. زندگی نامه :

الف. اتو بیو گرافی: توسط خود شخص نوشته می شود

ب. دیگران در مورد فرد می نویسند

4. شجره نامه ها

5. نامه ها و مکاتبات مهم.

نمونه :

به تعداد محدودی از موضوعات مورد بررسی گفته می شود که بر اساس هدف یا هدفهای تحقیق و با استفاده از فرمولهای آماری انتخاب می شوند به عنوان مثال از میان 500 دانشجوی دانشگاه 200 نفر را انتخاب می کنیم و از آنها در مورد یک موضوع خاص مثلاً موانع توسعه در ایران نظرخواهی می کنیم که به این 200 نفر نمونه گفته می شود . نمونه باید نمایا (معرف) باشد به این معنی که ویژگی های اصلی جامعه آماری یا افراد مورد مطالعه را داشته باشد . به عنوان مثال 60 درصد جامعه آماری خانم هستند و 40 درصد آقایان می باشند نسبت جنسی در نمونه نیز باید این گونه باشد . شغل و درآمد و..... نیز در نظر گرفته شود .

دلایل نمونه گیری : 1. محدودیت بودجه 2. محدودیت نیروی انسانی 3. محدودیت زمان 4. دسترسی به همه افراد مورد نظر وجود ندارد .

سر شماری :

نقطعه مقابل نمونه گیری است در موارد استثنایی آن هم توسط دولتها صورت می گیرد .

مراحل تحقیق :

1. تعیین موضوع
 2. بررسی منابع (سابقه ادبیات)
 3. تهیه مدل تحلیلی
 4. تنظیم فرضیه (سؤالات)
 5. نمونه گیری ،تنظیم پرسشنامه
 6. تجزیه و تحلیل اطلاعات
 - الف. آمار توصیفی (جنسیت، سن، شغل)
 - ب. آمار استنباطی (برسی رابطه بین متغیرها در فرضیات)
 7. آزمون فرضیات
 8. تنظیم گزارش نهایی شامل
- فصل 1: کلیات (تعاریف و مفاهیم)
- فصل 2: بررسی سابقه موضوع
- فصل 3: روش شناسی (در این فصل جامعه آماری، نمونه، روش نمونه گیری، تعداد نمونه، محدوده زمانی تحقیق و محدوده مکانی ذکر می شود)
- فصل 4: یافته ها
- فصل 5: نتیجه گیری و پیشنهاد
- فصل 6: فهرست منابع

برسی عوامل مؤثر بر طلاق با استفاده از مدل تحلیلی:

در این مدل تأثیر نوع شخصیت، بیماری، نازایی، درآمد، شغل، تحصیلات و غیره را در امر طلاق بررسی می کنیم

فرضیه: یک پاسخ خام و ابتدایی به سؤال آغازین است، یک حدس و یک گمان است. بیانگر رابطه بین دو مفهوم است (یکی متغیر مستغل و دیگری متغیر وابسته) مثلاً: به نظر می رسد نازایی بر طلاق تأثیر دارد. به نظر می رسد بیماری بر طلاق تأثیر دارد. این دو جمله فرضیه می باشند و جمله (دین چه تأثیری بر جامعه دارد) یک سؤال است.

پرسشنامه: شامل چند بخش می باشد

1. مقدمه

2. اطلاعات جمعیت شناختی ((سن، شغل، درآمد، و نوع مسکن))

3. سوءالات مربوطه به فرضیه ها که بخش عمده آن نیز می باشد

آزمون فرضیه ها: رد یا تأیید شدن فرضیات و علت آنها بیان می شود

نظریه:

به مجموعه ای از مفاهیم منطقاً مرتبط با هم گفته می شود که با یکدیگر تشکیل یک سیستم یا یک دستگاه نظری می دهند و به وسیله آنها می توان بخشهایی از واقعیت را مورد بررسی قرار داد یا بر اساس آنها می توان داده های مشاهده شده یا گردآوری شده را مورد تبیین و تفسیر قرار داد.

مکتب: شامل چندین نظریه است و معمولاً به مجموعه ای از گرایشهای فکری گفته می شود که به یک سری اصول و قواعد یکسان وفادار هستند اما در زمینه امور فرعی و جزئی با یکدیگر تفاوت دارند.

مثال (نظریه: نظریه خود کشی دورکیم مکتب: مکتب کارکرد گرایی

نظریه در یک زمینه یا موضوع خاص قابل استفاده است و دامنه آن محدود است مثلاً خود کشی، قشر بندی، مشارکت سیاسی

مکتب شامل نظریه ها است. در دل یک مکتب چند نظریه وجود دارد و قابل استخراج هستند. مکتب کارکردگرایی شامل نظریاتی در باب انحراف، قشر بندی توسعه، خانواده و غیره است.

متفکران کلاسیک (اولیه) جامعه شناسی :

آگوست کنت

در سال 1798 در فرانسه متولد شد او را بنیانگذار جامعه شناسی دانسته اند و اولین کسی است که واژه « جامعه شناسی » را بکار برد البته کنت ابتدا از واژه « فیزیک اجتماعی » استفاده کرد ولی بعد آنرا کنار گذاشت و از کلمه جامعه شناسی استفاده کرد. کنت معتقد بود که جامعه شناسی باید از روشهای علوم طبیعی مانند فیزیک و شیمی در بررسی پدیده های اجتماعی استفاده کند و به همین دلیل هم در ابتدا از واژه فیزیک اجتماعی استفاده کرد او معتقد بود همه جوامع یک سری مراحل را می گذرانند و وظیفه جامعه شناسی شناخت منطقی این تحولات است او در سال 1857 وفات یافت.

کنت جامعه شناسی را اینگونه تعریف می کند : جامعه شناسی علم بررسی و شناخت قوانین حاکم بر جامعه بشری است . کتاب مهم او دروس فلسفه اثباتی است

مارکس

(1818- 1883) آلمانی بود. در 24 سالگی دکترای فلسفه می گیرد . او تحت تأثیر سه جریان قرار دارد .

1- ایده ایسم آلمان : که مهمترین اندیشمندش هگل بود (ایده ایسم = اولویت را به ذهن دادن)

2- سوسیالیسم های فرانسوی :

3- ماتریالیسم (مادی گرایی) انگلیسی

ماتریالیسم : مارکس اولویت را در نظریاتش به اقتصاد یعنی جنبه مادی زندگی اجتماعی می دهد و تلاش می کند جنبه های غیر مادی زندگی اجتماعی مانند هنر ، ادبیات ، مذهب ، ایدئولوژی ، سیاست و حقوق را اموری فرعی تلقی کرده که تحت تأثیر وضعیت اقتصادی دچار تغییر می شوند . مارکس در این زمینه دچار تقلیل گرایی شد یعنی پدیده ها را بر اساس یک عامل تحلیل کرده است .

مارکس ماتریالیسم را از یک اندیشمند به نام فوئرباخ اقتباس کرده است . کتاب معروف مارکس کتاب سرمایه است این کتاب دو جلد است و در ایران چاپ شده است. این کتاب توسط خود مارکس تمام نشد بلکه توسط یکی از دوستان صمیمی مارکس به نام انگل براساس دست نوشته های مارکس نوشته شد . کتاب دیگرش مانیفست به معنی بیانیه است . این کتاب مجموع بیانیه هایی است که مارکس و انگل به حمایت از طبقه کارگر و به منظور شوراندن آنها بر ضد سرمایه داران تألیف نموده اند .

مارکس دیالکتیک را به عنوان یک روش از هگل گرفته است اما هگل از دیالکتیک جهت بررسی پدیده های ذهنی استفاده می کند ولی مارکس از آن جهت بررسی پدیده های مادی و اجتماعی

از دیالکتیک تعریف های زیادی شده است اما آنچه که از این واژه مورد نظر مارکس بوده این است که انسانها در برنامه ریزی و فعالیت هایشان جهت رسیدن به یک هدف شرایطی را پدید می آورند که احتمالاً تحقق آن هدفی که مورد نظر شان است با مانع مواجه شده و فعالیت هایشان یک یا چند پیامد دیگر را به دنبال داشته باشد. (پیامد های ناخواسته ای را به دنبال داشته باشد).

وبر

(1864_1920): آلمانی است. وبر جامعه شناس نیست بلکه در حوزه حقوق، دین و اقتصاد و تاریخ بیشتر نظریه پردازی کرده و برخلاف مارکس شخصیتی دانشگاهی بود او در دانشگاه بیمارشد و درسالیان پایانی عمرش از دانشگاه بازنشسته شد. وی کتابهای را نوشت که معرفتین آنها «اخلاق پروتستان و روحیه ی سرمایه داری» است. وبر بعد از اینکه بیمار می شود و طبیبان به او می گویند که دست از نوشتن بردارد به آمریکا می رود و با سرمایه داری آنها آشنا می شود و زمانی که برمی گردد این کتاب را می نویسد. کتابهای دیگر وی «شهر درگذر زمان» درخصوص پیدایش شهرها، «اقتصاد و جامعه»، «روش شناسی علوم اجتماعی»، «طبقه، منزلت و حزب» که در حوزه جامعه شناسی قشر و نابرابری ها و کتاب «دانشمند و سیاست مدار» می باشند.

دورکیم

دورکیم تلاش می کرد با بهره گیری از دیدگاههای اندیشمندان قبل از خودش از قبیل کنت، مارکس، اسپنسر، سن سیمون و... و همچنین نقد آنها جامعه شناسی را تبدیل به یک علم مستقل دانشگاهی کند. دورکیم معتقد بود که جامعه شناسی باید یک موضوع مستقل برای بررسی و تحقیق داشته باشد او این موضوع را پدیده اجتماعی می دانست. پدیده اجتماعی ترجمه اصطلاح لاتین **social fact** است.

دورکیم پدیده را هرگونه احساس، اندیشه، عمل و اقدامی می دانست که نسبت به افراد مستقل بوده، بیرون از فرد وجود دارد (بین افراد وجود دارد نه در ذهن فرد) و علاوه بر آن بر فرد ایجاد فشار و الزام می کند یعنی چنانچه افراد نسبت به آن بی اعتنایی کنند یا آن را نقض کنند با واکنش جامعه یا اطرافیان مواجه می شوند. ویژگی دیگر پدیده این است که در یک مکان مشخص (جامعه مشخص) عمومیت داشته باشد. ارزشها و هنجارها و به طور کلی فرهنگ و همچنین پدیده های مادی مثل کلیسا، کانا لها و شبکه های ارتباطی، شیوه توزیع خانه ها و... پدیده محسوب می شوند. دورکیم همچنین معتقد است که جامعه شناسی باید دارای روش های خاص خودش جهت بررسی پدیده های اجتماعی باشد. روشهایی که دورکیم برای بررسی پدیده های اجتماعی مورد استفاده قرار داده است عبارتند از روش تاریخی، روش مقایسه ای، روش تغییرات متقارن و روش آماری

دورکیم معتقد بوده است که اگر راه کنت و اسپنسر را ادامه بدهیم جامعه شناسی چیزی جز فلسفه نخواهد بود و هرگز تبدیل به یک علم مستقل نخواهد شد. دلیل این انتقاد این است که اسپنسر و کنت همیشه در کنج کتابخانه خودشان می نشستند و در باره پدیده های اجتماعی صرفاً نظریه پردازی می کردند و هیچگاه به تحقیق تجربی پیرامون واقعیت های اجتماعی رو نیاوردند و نظریاتشان را در واقعیت آزمایش نکردند. دورکیم دارای آثاری است که

مهمترین آنها عبارتند از **1- درباره تقسیم کار اجتماعی** : این کتاب پایان نامه دکترای دورکیم است . در این کتاب نظریات اصلی دورکیم دربارهٔ انسان ، جامعه ، همبستگی و هنجار اجتماعی ، آسیب های اجتماعی و... مطرح شده است . **2 - قوائد روش جامعه شناسی** : این کتاب چکیده اصول و قواعدی است که کتاب تقسیم کار بر اساس آنها تهیه و تنظیم شده است . این کتاب اثری است در زمینه روش تحقیق . مهمترین اصلی که در این کتاب مطرح شده این است که پدیده های اجتماعی را باید مانند شیء مورد مطالعه قرار بدهیم . شیء به هر موضوعی گفته می شود که با عقل تداخل پذیر نباشد و تنها راه مطالعه آن مطالعه از بیرون باشد یعنی بتوان با روشهای تحقیق در علوم طبیعی آن را مورد مطالعه قرار داد .

در علوم طبیعی موضوعات مورد مطالعه را از بیرون مورد بررسی قرار می دهند و کاری به درون و ماهیت آنها و هدف غایی ایجاد و شکل گیری آنها ندارند دورکیم در این زمینه یعنی در بحث روش تحقیق تحت تأثیر علوم طبیعی است و معتقد است که می توان پدیده های اجتماعی را با استفاده از روشهای تحقیق در علوم طبیعی مورد مطالعه قرار داد . به همین دلیل به دورکیم ، کنت واسپنسر اثبات گرا می گویند .

3- کتاب خود کشی : اولین کتاب در زمینه آسیب اجتماعی است . او در کتاب خودکشی یک پدیده اجتماعی (خود کشی) را بر اساس اصول و قواعدی که در کتاب قبلی خود (قواعد روش جامعه شناسی) مطرح کرده است مورد بررسی قرار می دهد. موضوع اصلی در این کتاب آسیبهای اجتماعی است. در این کتاب دورکیم خودکشی را اینگونه تعریف می کند : خود کشی هر نوع مرگی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از عمل مثبت (انجام یک کار) یا عمل منفی (عدم انجام یک کار) فردی که از عواقب اقدامش آگاه است ناشی می شود . خودکشی اولین تحقیق در حوزه جامعه شناسی است که توسط دوریکم انجام شده است .

مستقیم: زدن گلوله به خود

غیر مستقیم: نرفتن به دکتر در هنگام مریضی

مثبت: سم خوردن

منفی: نخوردن غذا

4- صور ابتدایی حیات دینی کتاب دیگر دورکیم و در حوزه مردم شناسی اعتقادات دینی است . در این کتاب دورکیم دربارهٔ دین ، منشأ آن ، نتایج آن ، اشکال آن و ... به بحث می پردازد و توتمیسم را به عنوان شکل اولیه ، طبیعی و تحول نیافته دین مورد بررسی قرار می دهد .

ساخت - ساختار - (structure):

به روابط الگومند « الگودار » ، تکراری و نسبتاً ثابت میان عناصر و اجزای اصلی یک مجموعه یا یک سیستم گفته می شود . ساختار در نگاه اول قابل مشاهده نیست اما وجود دارد و حیات مجموعه وابسته به آن است «مثل اسکلت های فلزی در یک ساختمان»

کارکرد (function):

به نقش یک عنصر در ادامه حیات یک سیستم گفته می شود یا به تعریفی دیگر به پیامد و نتیجه فعالیت یک عنصر «جزء» در رابطه با دیگر اجزای یک مجموعه گفته می شود. مثلاً بدن یک کل و سیستم است، جامعه نیز همین طور و دارای اجزایی هستند. به نتیجه فعالیت اندامها «اجزای بدن» و رابطه ی آنها با یکدیگر کار کرده گفته می شود. اصطلاحات کارکرد و ساخت دو اصطلاح کلیدی هستند که در مکتب کارکردگرایی ساختاری مورد استفاده قرار می گیرند.

یکی از جامعه شناسان آمریکایی به نام رابرت مرتون کارکرد را به چند دسته تقسیم کرده است «مرتون در سال 1910 متولد شده»

1- کارکرد مثبت و منفی

2- کارکرد پنهان و آشکار

کارکرد مثبت: کارکردی است که موجب ادامه حیات سیستم «کل» و افزایش انسجام و همبستگی میان اجزای سیستم می شود.

کارکرد منفی: کارکردی که حیات سیستم را به خطر می اندازد و موجب کاهش انسجام و همبستگی میان اجزای کل می شود.

کارکرد پنهان: به کارکردی گفته می شود که در ابتدا و قبل از شکل گیری یک عنصر یا جزء مورد نظر نبوده است.

کارکرد آشکار: قبل از اینکه یک عنصر به وجود بیاید مد نظر بوده است و مورد انتظار است.

کارکرد گرایی

مکتب کارکردگرایی برای اولین بار در مردم شناسی مطرح و جامعه شناسان آن را از مردم شناسان گرفتند و با ساخت گرایی ترکیب کردند و امروزه این مکتب را کارکرد گرایی ساخت گرایی می نامند. مکتب ساخت گرایی ریشه در زبان شناسی دارد. در مکتب کارکردگرایی ساختاری به کارکرد یک پدیده و یا یک جزء در کل و در سیستم توجه می شود. و به عبارت دیگر هدف اساسی تحقیق در این مکتب شناسایی کارکردهای یک عنصر در مجموعه است. یکی دیگر از ویژگی ها این است که واحد تحلیل (موضوع مورد بررسی) را به عنوان یک کل در نظر دارد که شامل یک سری قسمتها است که باید به روابط میان آنها توجه کرد (قسمتها) و همچنین کارکردهای هر یک را مورد بررسی قرار داد. ویژگی دیگر آن این است که جامعه را به عنوان اندام در نظر دارد یا به عبارتی جامعه را به ارگانیک تشبیه می کند.

مکتب کارکرد گرایی یک مکتب محافظه کار است یعنی خودش را با موضوعاتی از قبیل قدرت و شیوه توزیع آن در جامعه، قشر بندی و نابرابری، ظلم و ستم حاکمان بر مردم درگیر نمی کند حتی در مواردی آنها را توجیه می کند و آنها را برای ادامه حیات جامعه ضروری می داند از جمله صاحب نظران این مکتب، کنت، دورکیم، مالینوفسکی، رادکلیف براون و تالکوت پارسونز است که اولین جامعه شناسی است که مکتب کارکرد گرایی ساختاری را سامان داد و شاگرد او مرتون است.

کارکرد گرایان می گویند میان اجزای جامعه هماهنگی وجود دارد. آنها جامعه را بر فرد ترجیح می دهند و معتقدند که فرد باید در خدمت جامعه باشد (جزء باید در خدمت کل باشد)

مکتب تضاد

مهمترین اندیشمند این مکتب مارکس است. مکتب تضاد بر خلاف مکتب کارکرد گرایی جامعه را شامل اجزایی می داند که میان آنها دائماً تضاد و کشمکش وجود دارد. جامعه را شامل دو بخش می دانند. 1- بخش حاکمان (ثروتمندان) (2- طبقه تحت حکومت (فقراء) که میان اینها همیشه تضاد وجود دارد و دلیل این تضاد ناسازگاری میان منافع این دو بخش است.

مارکس تاریخ تمام جوامع را تاریخ تضاد طبقاتی می داند و معتقد است که از هر دوره از تاریخ بشری فقط دو طبقه اصلی وجود دارد اما در هر دوره اسم این طبقات متفاوت است. در دوران معاصر سرمایه دار و کارگرند و در دوره های قبلی ارباب و برده. مارکس این دیدگاه را در مورد خانواده، محیط کار و حتی کلاس درس صادق می داند. در کارخانه کارفرما در مقابل کارگر، در محیط خانواده مرد در مقابل زن. مکتب تضاد مانند کارکردگرایی به کل در مقابل جزء اولویت می هد و در واقع جمع را بر فرد مقدم می داند. و همانند مکتب کارکردگرایی ساختارگراست یعنی به عناصر اصلی جامعه و روابط میان آنها توجه می کند. مکتب تضاد بر خلاف کارکردگرایی، مکتبی انقلابی است و موضوعاتی از قبیل شیوه حکومت، شیوه توزیع قدرت، نابرابری در جامعه، تبعیض و... را به عنوان موضوعات اصلی مطالعه انتخاب می کند و با ارائه راه حل سعی در رفع آنها می کند. حتی در ارائه راه حل نیز انقلابی برخورد می کند.

(اصلاح = تغییرات تدریجی انقلاب = دگرگونی های ناگهانی)

به عنوان مثال مارکس تنها راه حل رفع مشکلات نظام سرمایه داری را واژگونی و نابودی آن می داند. مارکس در تحلیل پدیده‌های اولویت را به اقتصاد می دهد.

مکتب فرانکفورت

حاصل تجدید نظر در اندیشه های مارکس در سال 1910 در آلمان توسط تعدادی از فیلسوفان شکل گرفت که تحت تأثیر اندیشه های مارکس بودند. آنها بعد از تشکیل حکومت نازی مورد تعقیب قرار می گیرند و به آمریکا فرار می کنند و در آنجا به فعالیتهای خود می پردازند. در آنجا اندیشمندانی مانند مارکوزه، آدورنو، هابرماس و اریک فروم این مکتب را پایه گذاری می کنند و بعد از عادی شدن وضعیت در آلمان به آنجا برمی گردند. صاحب نظران این مکتب تلاش کردند اندیشه های مارکس را مورد انتقاد قرار داده و متناسب با پیشرفتهای جهان در زمینه های مختلف در آن تجدید نظر کنند و نواقص آن را با استفاده از نظریات روان شناسان از قبیل فروید و اندیشمندانی مانند وبر اصلاح کنند. در این مکتب بر خلاف مارکس دیگر به اقتصاد اولویت داده نمی شود و اصولاً بیشتر به فرهنگ و پدیده های فرهنگی به جای اقتصاد توجه می شود. صاحب نظران این مکتب از لحاظ روش بررسی پدیده ها بیشترین بدهکاری را به مارکس دارند. یکی از اندیشمندانی که تلاش کرد دیدگاه های مارکس را مورد انتقاد قرار دهد یک

متفکر آلمانی به نام دارندورف است. دارندورف برخلاف مارکس تضاد را بر اساس ثروت و وضعیت اقتصادی تحلیل نمی کند بلکه بر اساس شیوه توزیع اقتدار این کار را انجام می دهد.

مکتب کنش متقابل نمادین :

کنش به رفتاری گفته می شود که دارای انگیزه است. هدفمند بوده و با توجه به شرایط اجتماعی و اطرافیان صورت گرفته و معنادار است. یعنی فرد به رفتار خود معنایی را نسبت می دهد. به عنوان مثال شرکت در انتخابات یک کنش سیاسی است. کنش و نماد دو مفهوم اصلی مکتب کنش متقابل نمادین هستند.

مکتب کنش متقابل بر خلاف مکتب کارکرد گرایی و تضاد اولویت را به فرد می دهد و ریشه در روانشناسی دارد و قادر به تحلیل پدیده های کلان نیست.

طرفداران این مکتب معتقدند که انسان موجودی است دارای اختیار و آزادی و دارای توان تعریف و تفسیر و در هر موقعیتی با لحاظ شرایط و با توجه به اطراف پیرامون پدیده ها را تعریف می کند و نسبت به آنها واکنش نشان می دهد.

این مکتب وجود پدیده های کلان مانند ساختار اجتماعی و طبقات را انکار می کند و معتقد است آنچه که واقعیت دارد فرد و واکنش های افراد است. مهمترین اندیشمندان این مکتب عبارتند از: مید، کولی و یلیام توماس، بلومر، گافمن و هاوارد بکر. از لحاظ سیاسی این مکتب، مکتبی محافظه کار است. ارکان مکتب کنش متقابل حاصل ترکیب نظریات وبر و زیمل (هر دو آلمانی) و صاحب نظران آمریکایی است.

مکتب مبادله :

این مکتب از اقتصاد و همچنین مکتب رفتارگرایی در روانشناسی نشأت گرفته است. در این مکتب انسان موجودی عاقل در نظر گرفته می شود که محرک او در تمام رفتارها منافع اوست. صاحب نظران این مکتب معتقدند که دو عامل تمام زندگی انسان را تحت شعاع قرار می دهد که عبارتند از گرایش به سود و پاداش و اجتناب از ضرر یا مجازات. این دیدگاه از رفتار گرایی اسکینر گرفته شده است. مهمترین اندیشمندان و بنیانگذاران این مکتب هومنز است. هومنز برای مکتب مبادله پنج اصل ذکر کرده است. این مکتب دیدگاهی یک جانبه در مورد انسان و فعالیت های او دارد و مهمترین ایراد آن این است که تلاش می کند همه رفتارهای انسان را بر اساس منطق سود و زیان بررسی کند در حالی که برخی از کنش های انسان مثل ایثار، نوع دوستی و کمک به هم نوع بر اساس اصول این مکتب قابل تحلیل نیستند. مع هذا تلقی انسان به عنوان موجودی عاقل یکی از نقاط قوت این مکتب است.

مکتب روش شناسی مردمی (مردم روش)

هدف اصلی این مکتب بررسی روش هایی است که اعضای یک جامعه در گفتگوهای روزمره شان با یکدیگر و همچنین هنگام برقراری ارتباط با یکدیگر از آنها استفاده می کنند. برخی صاحب نظران روش شناسی مردمی را

مکتب نمی دانند بلکه آن را صرفاً شامل یک سری اصول برای آغاز، تداوم و پایان دادن به گفتگوها در میان افراد می دانند. این مکتب تحلیل را در سطح خرد انجام می دهد نه در سطح کلان مثلاً طبقه در این مکتب جایی ندارد.

بی توجهی مدنی

اصطلاحی است که گافمن از آن استفاده کرده است و به این معنا است که هنگام برخورد با افراد غریبه و نا آشنا صرفاً به او بفهمانیم که حضورش را در کنار خودمان درک کرده ایم مثلاً با انداختن یک نگاه کلی به او بدون اینکه به چشمان او خیره بشویم یا مزاحمتی برای او ایجاد کنیم.

نظریه برنشتاین

عنوان نظریه اش زبان محدود و زبان بسط یافته می باشد. برنشتاین در این نظریه به بررسی نقش زبان و الگوها و مهارت های کلامی در موفقیت تحصیلی می پردازد این اندیشمند معتقد است که زبان طبقه پایین یک زبان محدود است. در این طبقه تعدد واژگان مورد استفاده محدود هستند، کلام یا گفتار بیشتر دال بر امور عملی هستند به تعبیر دیگر کمتر به امور ذهنی و انتزاعی مربوط می شوند. والدین صرفاً به امر و نهی می پردازند و کمتر دلیل امر و نهی ها را برای کودکان توضیح می دهند مثلاً صرفاً به بچه دستور می دهند که شیرینی نخورد اما دیگر توضیح نمی دهند چرا نباید شیرینی بخورد. در مقابل زبان طبقه بالا زبانی بسط یافته است. به این معنی که از لحاظ تعداد واژه ها غنی تر است. صرفاً به امور عملی مربوط نمی شود بلکه دربرگیرنده امور تخیلی و انتزاعی هم هست. والدین در برخورد با بچه ها صرفاً به امر و نهی اکتفا نمی کنند بلکه دلیل امر و نهی را برای بچه ها توضیح می دهند به عنوان مثال اگر به بچه دستور دهند زیاد شیرینی نخورد برای او توضیح می دهند به این علت نباید شیرینی زیاد بخورد چون شیرینی برای دندان مضر است. به عقیده برنشتاین فرزندان طبقه پایین که دارای زبان محدود هستند هنگام ورود به مدرسه با مشکل مواجه می شوند و اساساً دچار ناکامی و شکست می شوند. دلیل این امر این است که مدارس بر اساس فرهنگ و ارزش های طبقات بالا اداره می شوند. ارزیابی عملکرد دانش آموزان یعنی نمره دادن به فعالیتها هم بر اساس ارزش های طبقه بالاست.

کنش متقابل

گافمن کنش متقابل را به دو دسته تقسیم می کند.

1. کنش متقابل متمرکز

2. کنش متقابل نامتمرکز

در کنش متقابل متمرکز افراد هنگام برخورد با یکدیگر به صورت مستقیم با هم ارتباط برقرار می کنند و با همدیگر گفتگو می کنند. اما در کنش متقابل غیر متمرکز (نامتمرکز) صرفاً به حضور دیگران به صورت غیر مستقیم واکنش نشان می دهد. به عبارتی دیگر حضور دیگران را در رفتارهای خودشان لحاظ می کنند مثلاً در حرف زدن یا نشستن نشستن در اتوبوس در کنار یک غریبه).

گافمن اجرای نقش را به صحنه نمایش تئاتر تشبیه می کند به عقیده گافمن هر صحنه اجرای نقش دو جنبه دارد .
1. روی صحنه (تئاتر)

2. پشت صحنه

روی صحنه آن جایی است که یک فرد در مقابل دیگران قرار می گیرد و نقش خود را ایفا می کند . روی صحنه الزامات و محدودیت هایی را بر رفتار فرد تحمیل می کند . به عنوان مثال فرد سعی می کند قوی ظاهر شود ، رفتار ناپسند و ضعیفی را انجام ندهد ، در صورت وجود نقص آن را توجیه کند ، سعی می کند همیشه رسمی ظاهر بشود و همیشه سعی می کند فاصله اش را با اطرافیان رعایت بکند .

پشت صحنه جایی است که فرد خودش را برای ایفای نقش آماده می کند و در آنجا تمرین می کند . در پشت صحنه رفتار غیر رسمی است . فرد معمولاً سعی می کند هر چه را که در پشت صحنه انجام داده است در روی صحنه پنهان بکند و صرفاً نتیجه تمرین او در پشت صحنه در مقابل تماشاگران نشان دهد . از این دیدگاه می توان در بررسی رفتار کارمندان استفاده کرد .

حال فضاهاى شخصى را به چهار دسته تقسیم کرده است .

1. فضای نزدیک: تا 50 سانت

2. فضای شخصی: 50 تا 120

3. فضای اجتماعی: 120 تا 3/60

4. فضای عمومی: 3/60 سانت به بالا

از نظر وی در کشور های توسعه یافته افراد در هنگام گفتگو با هم بیشتر از فضای اجتماعی و عمومی استفاده می کنند و کشور های جهان سوم از فضای شخصی استفاده می شود .

کنش از دیدگاه وبر:

تعریف کنش از دیدگاه وبر: یعنی رفتار هدفمند معنادار ، به عبارتی یعنی رفتاری که فرد برای آن هدفهایی را در نظر گرفته و همچنین با توجه به فرهنگ خودش ، معنایی را به آن نسبت می دهد.

انواع کنش از دیدگاه وبر: (وبرکنش را به چهار دسته تقسیم می کند)

1. کنش عقلانی معطوف به هدف: در این نوع کنش تأکید و توجه بیشتر به هدفهایی است که برای کنش تعریف شده و سعی بر این است که بهترین و مؤثرترین وسایل و ابزارها برای رسیدن به هدف انتخاب شود. بعنوان مثال: یک مهندس که می خواهد پلی را بسازد و از بهترین وسایل برای ساختن آن استفاده می کند کنش او کنش عقلانی

معطوف به هدف است، این نوع گُنش بیشتر در نظام ها و یا سازمانهای برورکراتیک (سازمانی که اقتدار در آن سلسله مراتبی است) عمومیت دارد. همچنین بنا بر عقیده وبر این نوع گُنش مختص جوامع توسعه یافته است.

2. گُنش عقلانی معطوف به ارزش: در این نوع گُنش برخلاف نوع قبلی توجه اساساً "معطوف به روشها و ابزارهای مورد استفاده است تا هدف"، به عنوان مثال فردی که در یک گُنش از آموزه های یک دین پیروی می کند و هدفش پایبندی و وفاداری و اعتقاد به آن دین است گُنش عقلانی معطوف به ارزش است، بعضی مواقع دو هدف با هم مقایسه می شوند.

3. گُنش عاطفی: در این نوع گُنش فرد صرفاً تحت تأثیر احساسات و عواطف شخصی خودش به گُنش می پردازد به عنوان مثال: مردی که بچه اش را به خاطر بد رفتاری تنبیه می کند و فوراً به صورت او سیلی می زند گُنش او یک نوع گُنش عاطفی محسوب می شود.

4. گُنش سنتی: در این گُنش آنچه که مهم است پایبندی به سنتها و تسلیم شدن در مقابل وضع موجود است. در اینجا فرد در توجیه رفتارش دلیل خاصی را نمی تواند ذکر بکند و صرفاً می گوید چون این امر مرسوم است آن را انجام می دهم. به طور مثال: بعضی خانواده ها بدون ارزیابی به بچه هایشان فشار می آوردند که در زمینه خاصی مشغول به کار شوند یا در رشته معینی تحصیل کنند.

گُنش به لحاظ ماهیت:

گُنش به لحاظ ماهیت یا اجتماعی است یا غیر اجتماعی

گُنش اجتماعی: یعنی گُنشی که معطوف به افراد است و به دو دسته تقسیم می شود:

الف) گُنش اجتماعی فعال: گُنشی که واگنشی را در پی دارد. مثال: سؤال کردن از دیگران

ب) گُنش اجتماعی غیر فعال: واگنشی را در پی ندارد. مثال: صدا زدن فرد و عدم پاسخ به وی

گُنش غیر اجتماعی: گُنشی است که معطوف به اشیاء است. مثال: فردی که در پاکسازی جنگل از زباله همکاری می کند گُنش او یک گُنش غیر اجتماعی است.

وبر بر اساس انواع گُنش جوامع را تقسیم بندی کرده و معتقد است که در جوامع توسعه یافته و صنعتی بیشتر گُنش نوع اول رایج است (معطوف به هدف) و در جوامع توسعه نیافته بیشتر گُنش های سنتی، عاطفی و ارزشی رایج می باشد.

قدرت و اقتدار از دیدگاه وبر:

تعریف قدرت: به معنای توانایی فرد جهت تحمیل خواسته هایش بر دیگران، برخلاف خواسته آنهاست. منشأ این توانایی زور فیزیکی، توان فکری، مقام و موفقیت فرد است.

تعریف اقتدار: یعنی قدرت پذیرفته شده یا مشروع، قدرتی که از طرف دیگران پذیرفته شده است و بیشتر به جایگاه فرد بستگی دارد،

وبر اقتدار را به سه دسته تقسیم کرده که عبارتند از:

1. اقتدار قانونی (عقلانی): این نوع اقتدار ریشه در مقام و مسئولیتی دارد که فرد به عهده گرفته است. مثلاً: اقتدار یک مدیر وابسته به جایگاه اوست و طبیعتاً عمر این نوع اقتدار با عزل آن مقام به پایان می رسد و علاوه بر آن این نوع اقتدار وابسته به محیط است.

2. اقتدار سنتی: منشاء این نوع اقتدار پابندی و وفاداری به سنتها است. مثلاً: اقتداری که ریش سفیدها در میان قبیله دارند یک نوع اقتدار سنتی است این نوع اقتدار از دو طریق به دیگران منتقل می شود، یکی از طریق توارث مثال: پسر کدخدا در میان مردم اقتدار دارد که سنتی است و از طریق پدر به وی تحمیل شده دیگری از طریق دین مانند کسانی که در جامعه فعالیت دینی می کنند.

3. اقتدار کاریزماتیک (فرهمندانه): افراد این گروه، افرادی هستند که ویژگیهایی دارند که خدادادی است و حاصل وراثت، جامعه پذیری و آموزش نیست. این ویژگیها موجب برتری آنها بر دیگران و همچنین تبعیت دیگران از آنها می شود به عنوان مثال: حضرت امام خمینی (ره)، ماندلا و.... که به آنها شخصیت های کاریزماتیک گفته می شد. بنابر عقیده وبر شخصیت کاریزماتیک شخصیتی انقلابی است که در دوره های خاصی ظهور می کند، وضع جامعه را به هم می ریزد و ظهورش تابع هیچ قانونی نیست. این نوع اقتدار قابل انتقال نیست، شخصیت آن نوعی شخصیت انقلابی است. یکی از مشکلاتی که این نوع اقتدار دارد این است که قابل جایگزین نیست و هنگامی که نظام سیاسی، شخصیت کاریزماتیکش را از دست می دهد خلاء ناشی از آن را هیچ فردی پر نمی کند و حتی احتمال می رود که نظام اجتماعی از هم بپاشد.

نظریه ایلچ (نظریه مدرسه زدایی از جامعه)

مفاهیم کلیدی این نظریه عبارتند از:

1. مدرسه یک سازمان نگهبان است

2. برنامه های پنهان

3. مصرف انفعالی

ایلچ با مدارس به شیوه ای که امروزه در دنیا رایج است مخالف است او معتقد است که مدرسه در دنیای کنونی بیشتر تبدیل به مرکزی برای نگهداری از بچه ها شده است به این معنی که صرفاً ساعاتی آنها را با برنامه های متنوع و گوناگون مشغول می کند و از ورود آنها به محیط های دیگر جلوگیری می کند.

از طرف دیگر ایلچ انتقاد می کند که مدارس نظم موجود را بر کودکان تحمیل می کند و آنها را به پذیرش بی چون و چرای نظم موجود مجبور می کند. قوه ابتکار و نوآوری را در آنها تضعیف می کند و بچه ها را تبدیل به مصرف

کنندگان منفعل مواد و مطالب آموزشی می کند. نظریه ایلچ در جهان کنونی به مدرسه زدایی معروف گشته. او در این نظریه معتقد است که شیوه تعلم و تربیت کنونی (مدارس) را باید از اساس تغییر داد و آموزش را به شیوه ای جدید سازماندهی کرد. به نظر او آموزش نباید اجباری باشد و مواد و مطالب آموزشی باید متنوع باشند تا افراد تحت تعلیم بتوانند متناسب با علائق و استعدادهای خودشان از میان آنها دست به انتخاب بزنند. به عنوان مثال حتی در سطوح پایین مثل ابتدایی یا راهنمایی برای یک درس چند منبع وجود داشته باشد مثلاً برای درس فارسی چند تا درس فارسی وجود داشته باشد و فرد قدرت انتخاب یکی از آنها را داشته باشد. ایلچ معتقد است که دولت‌ها باید تمام هزینه های آموزش را خودشان بپردازند و در مناطق مختلف کشور امکاناتی از قبیل کتابخانه ها، آزمایشگاهها و بانکهای اطلاعاتی را فراهم کنند تا افراد تحت تعلیم بنابه نیازشان به راحتی بتوانند از آنها استفاده کنند. ایلچ در این نظریه برای اظهار نظر افراد تحت تعلیم و خصوصاً انتقاد آنها از مواد و مطالب آموزشی جایگاه ویژه‌ای قائل است و آن را زمینه ساز شکوفایی استعدادهای افراد تحت تعلیم می داند.

نظامهای آموزشی به دو دسته تقسیم می شوند

1. متمرکز 2. نامتمرکز

در نظام آموزش متمرکز مانند ایران منابع درسی در مرکز تهیه می شود و برای تمام دانش آموزان مناطق مختلف کشور منابع یکسانی معرفی می شود، بودجه نظام آموزشی توسط دولت تأمین می شود، عوامل آموزشی (مثل معلمان و کارکنان) توسط دولت استخدام می شوند اما در نظام غیر متمرکز مثل آمریکا بودجه هم توسط دولت و هم توسط مردم به صورت مالیات یا کمک و به صورت مشترک تأمین می شود. اموری مانند استخدام عوامل آموزشی، نظارت بر فعالیت مراکز آموزشی، پرداخت حقوق عوامل آموزشی در اختیار شورای محل است و همچنین علاوه بر اینها منابع درسی با توجه به وضعیت مناطق مختلف کشور تهیه می شود به عنوان مثال تفاوت‌های فرهنگی، زمینه های اشتغال و مواردی از این قبیل در تهیه منابع مورد توجه قرار گیرد.

نظریه ویلیس (نظریه باز تولید فرهنگی)

منظور ویلیس این است که آموزش و پرورش همراه با نهادهای اجتماعی دیگر از قبیل خانواده نابرابری های اجتماعی را در میان نسل‌های مختلف مجدداً تولید می کند. نابرابری های اجتماعی، نابرابری در نتیجه فعالیت انسانهاست، نابرابری های اجتماعی مانند نابرابری های انسانها در زمینه امکانات بهداشتی، ورزشی، تفریحی، آموزشی و تحصیلی، فرصتهای شغلی، برخورداری از تحصیلات بانکی، یارانه، امکان انتخاب شدن و یا انتخاب کردن و...

روشهای باز تولید نابرابری اجتماعی توسط نظام آموزشی :

1. تقسیم مدارس به دولتی، غیر انتفاعی، تیز هوشان، شاهد و...

2. نوع منابع آموزشی مورد استفاده و شیوه تنظیم آنها و مطالبی که در آنها مطرح می شود مثلاً در یک کتاب بیشتر از چه مکانها یا شخصیت‌هایی مثال زده شده یا کدام طبقات در کتابها مطرح می شوند .

تعدادی از مفاهیم موجود در کتاب جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز

رابطه علت و معلولی : هنگامی بین دو پدیده وجود دارد که بتوان ثابت کرد یک پدیده سبب بوجود آمدن پدیده دیگر شده است .

واژه علت در ابتدا در علوم طبیعی مورد استفاده قرار گرفته است و بیانگر رابطه قطعی و حتمی بین پدیده هاست مثلاً اگر نور به نهال نخورد رشد نمی کند به عبارتی نور علت رشد نهال است . این واژه توسط اندیشمندان اولیه جامعه‌شناسی که طرفدار استفاده از روشهای علوم طبیعی در بررسی پدیده های اجتماعی بودند وارد علوم اجتماعی شد (اثبات گرایان) مانند کنت ، دورکیم ، علت ، توجهی به اختیار فرد ندارد و بر اجبار دلالت دارد .

واژه دلیل در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد و استفاده از آن به این معناست که ما انسان را موجودی صاحب اراده ، آزادی و اختیار می دانیم که برای اعمالش دلیل دارد و صرفاً تحت تأثیر شرایط بیرونی رفتار نمی کند (مجبور نیست)

با وجود بیکاری فرد حتماً و به صورت اجباری منحرف نمی شود بلکه اراده و اختیار فرد در این امر دخالت دارد و فرد با قدرت تفسیر و تفهم در مقابل انحراف مقاومت می کند.

همنوایی: رفتار به صورتی منطبق و سازگار با هنجارها و ارزشهای یک جامعه.

ایدئولوژی : مجموعه ای از ارزشها و باورها که توجیه کننده رفتارها و تأمین کننده منافع یک گروه خاص است.

خانواده: خانواده مجموعه ای از افراد است که به چهار طریق به هم پیوند داشته باشند .

1. زناشویی 2. فرزند پذیری 3. خونی 4. توتمی

خانوار : افرادی که هم خرج هستند و زیر یک سقف زندگی می کنند . خانوار می تواند خانواده باشد ولی هر خانواری خانواده نیست .

خویشاوندی : شبکه گسترده ای از روابط است که به دلیل شکل گیری زناشویی بین افراد بوجود می آید .

تحرك اجتماعی : حرکت فرد از یک موقعیت یا منزلت به موقعیت دیگر (افقی) یا از طبقه ای به طبقه دیگر (عمودی)

تحرك از طبقه پايين به بالا تحرك صعودي است. مثلاً فرزند يك كارگر پزشك مي شود
تحرك از طبقه بالا به پايين تحرك نزولي است. مانند يك تاجر ورشكسته

آنومي: مفهوم آنومي يا آشفتگي يكي از مفاهيم كليدي در جامعه شناسي است كه براي اولين بار توسط دوركيم مطرح
شد و مورد استفاده قرار گرفت .

منظور از آنومي در نظريه دوركيم اين است كه هنگامي كه جامعه دچار تغييرات سريع مي شود و از يك دوره به دوره
ديگر گذار مي كند (مثلاً از دوره سنتي به مدرن) معمولاً ارزشها و هنجارهاي جامعه تضعيف مي شوند و نمي توانند
رفتار افراد جامعه را تنظيم و هدايت كنند. دوركيم به چنين وضعيتي آنومي مي گويند. مرتون جامعه شناسي آمريكائي
بوده كه راه دوركيم را ادامه داده و آنومي را مجدداً تعريف كرده و آن را مورد سنجش قرار داده است. به نظر مرتون
ساختار اجتماعي داراي دو عنصر اصلي است 1- اهداف مورد قبول جامعه (اهداف مشروع) 2- وسايل و روشهاي
قابل قبول (مشروع) جهت دستيابي به اهداف مورد قبول. به نظر مرتون اگر بين اين دو عنصر ساختار اجتماعي
سازگاري و انطباق وجود نداشته است آنومي شكل مي گيرد.

آنومي مي تواند سه شكل داشته باشد :

1. بي هنجاري : افراد در شرايطي قرار مي گيرند كه هيچگونه هنجاري وجود ندارد كه به رفتار آنها جهت بدهد. اين
مورد كمتر اتفاق مي افتد مثلاً در زمان وقوع انقلاب يا زماني كه فرد به يك كشور جديد مهاجرت مي كند كه زبان و
آداب و رسوم و هنجارهايشان كاملاً متفاوت است .

2. ضعف هنجارها: معمولاً در همه جوامع وجود دارد. در جوامعي كه ضعف هنجارها در آن زياد است، آنومي به يك
مسئله اجتماعي تبديل مي شود .

3. تضاد هنجاري (تضاد هنجارها) زماني كه بيش از يك هنجار در مقابل فرد وجود دارد و عمل به يك هنجار
سربيچي از هنجار ديگر را در برداشته باشد (مثال) نوع لباس و پوشش فرد از نظر خانواده و از نظر دوستان يا
الگوهاي هنجاري كه وجود دارند دچار تضاد هنجاري مي شود.

4. درهم ريختگي هنجاري : زماني كه رفتار بر اساس يك هنجار به پاداشهاي مورد انتظار منجر نمي شود يا سربيچي
از يك هنجار به مجازات هاي تعريف شده و مورد انتظار منتهي نمي شود:
مثلاً كسي كه در كلاس به تكاليفش عمل مي كند انتظار دارد كه از طرف استاد به او پاداش داده شود ولي اينگونه نمي
شود.

وضعيت هاي بحراني : شرايطي است كه الزامات جديد بر افراد تحميل مي شود و در سازمانهاي بازداشتگايي اتفاق
مي افتد و شديدترين نوع آن مغز شويي است .

مغز شویی:

در وضعیت های بحرانی واکنشها و تغییرات مشابهی گزارش شده است به عنوان مثال رفتار افرادی که تحت بازجویی یا مغز شویی قرار گرفته بودند. در مراحل اولیه فرد می کوشد در برابر فشارها مقاومت کند بعد از این مرحله به نظر می رسد فرد به مرحله وضعیت کودکانه ای برگشت می کند. اجتماعی شدن هنگامی رخ می دهد که ویژگی های جدید رفتار پدیدار شوند این ویژگی ها بر اساس شخصیت مقتدر یعنی بازجو شکل گرفته اند. سارجنت می گوید یکی از وحشناکترین نتایج بازجویی های بی رحمانه آنگونه که توسط قربانیان توصیف شده این است که آنها ناگهان شروع به احساس محبت نسبت به بازجو که با آنها با خشونت رفتار کرده است می کنند.

بر نامه پنهان: این واژه را ایلچ در بحث تعلیم و تربیت بیان کرده است و منظور او مواد و مطالبی است که به صورت عملی، غیر رسمی و اعلام نشده به دانش آموزان آموزش داده می شود. مثال: تبعیت از دستورات معلم، تسلیم شدن در مقابل عوامل آموزشی

فرق جامعه شناسی خرد و کلان: جامعه شناسی کلان مطالعه رفتار انسان در قالب واحدهای اجتماعی بزرگ مثل سازمان، طبقه و کل جامعه و... را مد نظر دارد.

جامعه شناس:

اندیشمند یا متفکری است که موضوعات و پدیده ها را با استفاده از روشهای جامعه شناسی مورد بررسی قرار می دهد این واژه از قرن نوزدهم بکار برده شد

متفکر اجتماعی:

به اندیشمندانی گفته می شود که آثار آنها محتوای اجتماعی دارد و در بررسی پدیده ها عوامل اجتماعی را هم لحاظ می نمایند افرادی مانند سعدی، پروین اعتصامی، ارسطو و..

انحراف (کجروی، کج رفتاری):

به هر اندیشه و رفتاری گفته می شود که با ارزشها و هنجارهای یک گروه یا یک طبقه یا یک جامعه همخوانی نداشته باشد

انحراف امری نسبی است یعنی با توجه به سه عنصر مکان، زمان و عامل رفتار تعریف می شود:

انحراف از نظر مکانی امری نسبی است: یعنی اینکه انحراف را با توجه به ارزشهای یک جامعه تعریف می کنیم و براین اساس یک رفتار می تواند در یک جامعه (مکان) به عنوان یک انحراف تعریف شود و در جامعه دیگر یک رفتار تلقی شود مثل شرابخواری در ایران و آمریکا

انحراف از نظر زمانی امری نسبی است: یعنی اینکه که یک رفتار واحد در دو مقطع زمانی می تواند به دو صورت انحراف یا رفتار معمولی تعریف شود مثل شطرنج که در ابتدای انقلاب یک انحراف بود اما اکنون یک ورزش به حساب می آید.

انحراف از نظر عامل رفتار امری نسبی است: یعنی اینکه که ما انحراف را با توجه به ویژگی های عامل آن مانند جنسیت، سن، شغل، میزان تحصیلات و ... تعریف می کنیم

فرق جرم با انحراف:

جرم به رفتاری گفته می شود که قوانین و مقررات جامعه را نقض می کند و مراکز رسمی قانونگذاری مثل مجلس برای آن از قبل در قانون مجازات تعیین کرده اند. انحراف کلی تر از جرم است و شامل جرم هم می شود

ضمانت های اجرائی:

به مجموعه وسایل و روشهایی گفته می شود که جامعه به منظور تضمین همنوایی افراد با ارزشها از آنها استفاده می کند. ضمانت های اجرائی می توانند مثبت (پاداش دادن به افراد در هنگام همنوایی) یا منفی (مجازات افراد در هنگام عدم همنوایی و انحراف از ارزشها) باشد

ضمانتهای اجرائی می تواند رسمی (از سوی کسانی اعمال می شود که قوانین یک جامعه آنها را مسئول این امر دانسته است) و غیر رسمی (توسط افراد پیرامون فرد اعمال می گردد) باشد. مثال وقتی فردی از چراغ قرمز رد می شود و توسط پلیس جریمه می شود این ضمانت رسمی است و لی وقتی فردی در یک جلسه با تاخیر حاضر می شود و دیگران او را سرزنش می کنند این ضمانت اجرائی غیر رسمی است.

جرایم یقه سفیدان: به جرایمی اطلاق می گردد که به وسیله افرادی انجام می شود که در بخشهای مرفه تر جامعه هستند، این اصطلاح انواع بسیاری از فعالیت تبهکارانه را در بر می گیرد، از جمله کلاهبرداریهای مالیاتی، رویه های غیرقانونی فروش، کلاهبرداریهای مربوط به اسناد و املاک، اختلاس، ساخت یا فروش فرآورده های خطرناک و آلودگی غیرقانونی محیط، و نیز دزدی آشکار. اندازه گیری توزیع جرایم یقه سفیدان حتی از اندازه گیری توزیع انواع دیگر جرم دشوارتر است؛ بیشتر این گونه شکل های جرم اصلاً در آمار رسمی ظاهر نمی شوند. می توانیم میان جرایم یقه سفیدان و جرایم قدرتمندان تمایز قایل شویم. جرایم یقه سفیدان اساساً متضمن استفاده از یک موقعیت طبقه متوسط یا موقعیت حرفه ای برای اشتغال به فعالیتهای غیرقانونی است. **جرایم قدرتمندان** جرایمی هستند که در آنها از اقتدار ناشی از موقعیت به شیوه های تبهکارانه استفاده می شود مانند وقتی که یک مقام رسمی برای تایید سیاست خاصی رشوه ای را می پذیرد. هزینه این جرایم بسیار زیاد است. از لحاظ نتایج بسیار وخیم تر می باشد. برای مثال نقض آشکار مقررات در مورد تهیه داروهای جدید، ایمنی در محل کار، یا آلودگی، ممکن است باعث آسیب جسمانی یا مرگ عده زیادی در مردم بشود.

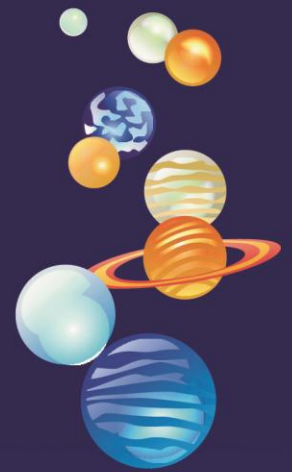
جرایم حکومتی : مقامات حکومتی نیز مرتکب جرم می‌شوند. دولتها بسیاری از وحشتناکترین جنایتها را در تاریخ مرتکب شده‌اند، از جمله محو اقوامی به طور کامل، بمبارانهای دسته جمعی مردم عادی، آدم سوزیهای دسته جمعی نازیها و اردوگاههای متمرکز استالین. حکومتها بارها به شیوه‌های جنایتکارانه عمل کرده‌اند. پلیس گاه خود در فعالیتهای تبهکارانه مداخله دارد.

جرایم سازمان یافته : به اشکال فعالیتی اطلاق می‌گردد که بسیاری از ویژگیهای سوداگری متعارف را دارند اما غیرقانونی محسوب می‌شوند. بدیهی است به دست آوردن اطلاعات دقیق درباره ماهیت تبهکاری سازمان یافته دشوار است. در تصویرهای افسانه واری که از تبهکاران ارائه می‌شود تبهکاری سازمان یافته در آمریکا زیر نظارت یک جمعیت سری که دارای ابعاد ملی است یعنی مافیا انجام می‌شود. تجارت مواد مخدر یکی از صنایع تبهکارانه بین‌المللی و سریعاً در حال گسترش است.

جرایم بی قربانی : در اصطلاح جرایم بی قربانی به فعالیتهایی گفته می‌شود که افراد کم و بیش آزادانه به آنها اشتغال می‌ورزند بی آنکه مستقیماً به دیگران زبانی برسانند، اما به عنوان فعالیتهای غیرقانونی تعریف شده‌اند (استفاده از مواد مخدر، اشکال مختلف قمار، یا فحشا).

مادسیج

شبکه آموزشی - پژوهشی ایران



مادسیج، پنجره ای به یادگیری نوین

مادسیج مخفف کلمه madsage به معنای شیفته دانایی و در مفهوم بومی به معنای دهکده علم و دانش ایران می باشد. در این مفهوم اشاره به دو کلمه سیج (یکی از روستاهای زیبای کشورمان) و ماد (یکی از اولین اقوام ایران) می باشد.

شبکه آموزشی - پژوهشی مادسیج (IRESNET) با هدف بهبود پیشرفت علمی و دسترسی هرچه راحت تر جامعه بزرگ علمی ایران، در فضای مجازی ایجاد شده است. هسته اولیه مادسیج از طرح پایان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای رضا محمودی دانش آموخته رشته مدیریت آموزشی دانشگاه تهران که با راهنمایی استاد گرانقدر جناب آقای دکتر عبادی معاون دانشگاه مجازی مهر البرز می باشد، بر گرفته شده است.

IRan Education & Research NETWORK



Edited with the demo version of
Infix Pro PDF Editor

To remove this notice, visit:
www.iceni.com/unlock.htm